



## Semantics of Persian Cross Word Puzzles: Review of Patterns of Lexical Definitions from a Structural Lexical Semantics Perspective

Mahmoodi-Bakhtiari, Behrooz <sup>1</sup>   
Mehrabi, Masoomeh <sup>2</sup> 

Faculty Member, University of Tehran  
Faculty Member, Ayatollah Borujerdi  
University

### Abstract

Cross word puzzles have gained special status among the amusements (linguistics, pictorial, logical, numerical, game ones) for being a universal and local amusement at the simultaneously. They are universal because there cannot be found any daily newspapers without them. As for their local character, they are designed and framed based on the specific characteristics of the native/ local languages and cultural patterns within which they are framed. The question of the present paper is what is the dominant pattern of lexical definition in these puzzles which guides us to the semantics of Persian cross word puzzles? The corpus of this study has been formed by gathering data from of Persian cross word puzzles used in Iran newspaper during one month. Structural lexical semantics approach has been used here to classify definitional categories. As for the results, they show that some factors like homography play important roles in the design of such puzzles, besides definitions based on socio-cultural and cognitive encyclopedic knowledge, collocations, onomatopoeias, colloquials, parts of idioms or proverbs, and nursery/ child-like wordings which are used there. Innovative ways of defining words like using language jokes or writing games have been spotted. These specific features show stylistic differences in designing cross word puzzles and lexical definitions of dictionaries. The findings of such a research is a step to the clarification of patterns through which general and specific cross word puzzles are designed. The present paper has some implications for the teaching of Persian using cross word puzzles.

**Keywords:** Cross word puzzles, Semantics, Language games, Lexical relations, Structuralism



---

1. mbakhtiari@ut.ac.ir

2. m.mehrabi@abru.ac.ir

**How to cite:** Mahmoodi-Bakhtiari, B., & Mehrabi, M. (2022). Semantics of Persian Cross Word Puzzles: Review of Patterns of Lexical Definitions from a Structural Lexical Semantics Perspective. *Language and Linguistics*, 18(36), 141-165. doi: 10.30465/lsi.2023.41175.159609:57

## معنی‌شناسی جدول کلمات متقاطع: مروری بر الگوهای تعریف واژه‌ها در جدول‌های فارسی از دیدگاه معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گرا

محمودی بختیاری، بهروز  دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران  
مهرابی، معصومه  استادیار دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

چکیده: از میان سرگرمی‌های پنج‌گانه موجود در فرهنگ بشری (سرگرمی‌های زبانی، تصویری، منطقی، عددی و بازی کردنی) جدول کلمات متقاطع موقعیتی ویژه دارد، چرا که هم تفریحی جهانی است و هم منطقه‌ای. وجه جهانی این سرگرمی را می‌توان با نگاهی به مطبوعات جهان دریافت؛ تقریباً روزنامه‌پرفروش و کثیرالانتشاری در جهان وجود ندارد که فاقد جدول باشد. وجه منطقه‌ای این سرگرمی نیز به این اعتبار قابل طرح است که بر مبنای زبان‌های خاص و بازی با امکانات زبانی به طور عام شکل گرفته است و از این رو، بر اساس الگوهای زبانی و فرهنگی طراحان و حل‌کنندگان تعریف می‌شود. پرسش این مقاله چگونگی تعریف لغات مختلف در جدول‌های کلمات متقاطع فارسی و الگوهای خاص این تعریف‌هاست تا از این رهگذر به الگویی دست یابد که در این مقاله از آن تحت عنوان «معنی‌شناسی جدول کلمات متقاطع» یاد می‌شود. جامعه آماری مشتمل است بر جدول‌های کلمات متقاطع که در یک دوره یک ماهه از روزنامه *ایران* استخراج شده‌اند. چارچوب نظری معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گرا برای تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است تا با طبقه‌بندی شیوه‌های معنی‌کردن واژه‌ها الگوی توضیح‌نویسی برای مداخل جدول‌های فارسی معرفی و دسته‌بندی شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که عواملی چون هم‌نویسی و ویژگی‌های نگارشی زبان فارسی در طراحی این جدول‌ها از نقشی اساسی و تعیین‌کننده برخوردارند. همچنین، تعریف‌های مبتنی بر باورهای اجتماعی،

باهم آبی‌ها، ارائه بخشی از کلمه، واژه‌های غیرفارسی، نام‌آواها، صورت‌های فارسی گفتاری، بخشی از اصطلاح، ضرب‌المثل یا فعل و نیز، واژه‌های کودکانه هم می‌توانند در عرصه «معنی‌شناسی جدولی» حضور داشته باشند. افزون بر موارد پیش گفته، شیوه‌های ابتکاری معنی‌کردن واژه‌ها در کنار شوخی‌های زبانی و بازی‌های نوشتاری در ترتیب و توالی حروف در جدول، از دیگر مواردی هستند که در این پژوهش بررسی شده است به گونه‌ای که تفاوت‌های سبکی در تعریف مدخل‌های واژگانی فرهنگ لغات و خانه‌های جدول کلمات متقاطع مشخص شده است. دستاورد این تحقیق شفاف‌سازی طرح الگوی سامان‌دهی جدول‌های عادی و ویژه در فارسی دست‌کم بر مبنای پیکره تحقیق است که می‌تواند تلویحاتی کاربردی برای آموزش زبان فارسی نیز در بر داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** جدول کلمات متقاطع، معنی‌شناسی، بازی‌های زبانی، روابط معنایی، ساخت‌گرایی.

## ۱ مقدمه

شاید بتوان گفت که مداخل مختلف فرهنگ‌های لغت و جداول کلمات متقاطع در یک ویژگی با هم شباهت و در یک ویژگی با هم تفاوت دارند. وجه اشتراک آن‌ها وجود واژه در مقابل معنی است، و وجه افتراقشان این است که در فرهنگ لغت، از واژه به تعریف می‌رسیم و در جدول، از رهگذر تعریف به واژه دست پیدا می‌کنیم. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که چگونگی تعریف لغات مختلف در جداول کلمات متقاطع از الگوهای خاصی پیروی می‌کند؛ که در این مقاله از آن‌ها تحت عنوان «معنی‌شناسی جدولی» یاد می‌شود. در این مقاله، ابتدا به بیان تاریخچه پیدایش جدول در جهان می‌پردازیم و سپس نگاهی به پیشینه طراحی جدول در ایران خواهیم داشت. سپس با بررسی جداول کلمات متقاطع یک ماه از روزنامه *ایران* و دسته‌بندی شیوه‌های معنی‌کردن واژگان در آن‌ها، تلاش خواهیم کرد که الگوی توضیح‌نویسی برای مداخل جدول‌های فارسی را معرفی و دسته‌بندی کنیم تا مشخص شود چه سازوکارهای زبانی در طراحی جدول‌ها به کار می‌رود و این بازی‌های زبانی به لحاظ زبان‌شناختی چگونه شکل می‌گیرند. شیوه‌های ابتکاری معنی‌کردن واژه‌ها در کنار شوخی‌های زبانی و بازی‌های نوشتاری در ترتیب و توالی حروف در جدول، از دیگر مواردی هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

پرسش اصلی تحقیق حاضر سازوکارهای زبانی ارائه تعاریف برای حل جدول کلمات متقاطع در فارسی است. فرضیه ابتدائی این است که تعاریف کوتاه شده و موجز هستند و

بیش از آنکه تعریف واژگانی باشند جنبهٔ سرنخ بودگی دارند. روش گردآوری داده‌ها بر مبنای مطالعهٔ جدول کلمات متقاطع در دورهٔ یک‌ماهه از روزنامه ایران و وارد کردن داده‌ها در پیکرهٔ تحقیق و کدگذاری تعاریف مختلف به منظور طبقه‌بندی کردن آنهاست. جامعهٔ آماری شامل ۴۳۰۰ تعریف به همراه واژه‌های ناظر بر آنهاست. روش تحلیل داده‌ها بر مبنای چارچوب نظری معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گراست که در آن روابط مفهومی-واژگانی میان شبکه‌های واژگانی اهمیت دارد.

با توجه به هدف پیش‌گفته، ابتدا به بیان تاریخچهٔ پیدایش جدول در جهان می‌پردازیم و سپس، پیشینهٔ طراحی جدول در ایران را مرور خواهیم کرد. پس از آن، با بهره‌گیری از چارچوب نظری معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گرا به طبقه‌بندی داده‌های پژوهش پرداخته‌ایم. در پایان نیز خلاصه‌ای از نتایج به دست آمده در خصوص تفاوت جدول‌های عادی و ویژه و نیز تفاوت تعریف واژه‌ها در جدول کلمات متقاطع و فرهنگ لغت‌ها ارائه می‌شود. دستاورد این تحقیق شفاف‌سازی طرح الگوی سامان‌دهی جدول‌های عادی و ویژه در فارسی دست‌کم بر مبنای پیکرهٔ تحقیق است که می‌تواند تلویحاتی کاربردی برای آموزش زبان فارسی نیز در بر داشته باشد.

## ۲ پیشینهٔ پژوهش

### ۲-۱ جدول کلمات متقاطع<sup>۱</sup>

جدول کلمات متقاطع [از این پس: جدول]، بنا به تعریف، نوعی معمای بصری است که در آن، کلمات بر اساس تعریفشان به صورت حروف منفرد در آرایشی از مربع‌های شماره‌دار به گونه‌ای سامان می‌یابند که به صورت‌های افقی و عمودی قابل خواندن باشند (بریتانیکا، ۴۸۸). در میان بازی‌های جهان که نام معما (پازل) را بر خود دارند، جدول محبوب‌ترین بازی به شمار می‌رود و جزو تفریحاتی است که حتی می‌تواند اعتیادآور به حساب آید (والش<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۲۷، برای مطالعهٔ نمونه‌هایی از اعتیاد به حل جدول، هوانک<sup>۳</sup> ۱۹۷۸: ۱۰۹ و کاستلو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶: ۲۳). جدول، در کنار چیستان<sup>۵</sup>، لغت‌سازی با حروف درهم<sup>۶</sup>، رمزگشا<sup>۷</sup>، و

1. crossword puzzle

2. T. Walsh

3. H. Hovanec

4. M. J. Costello

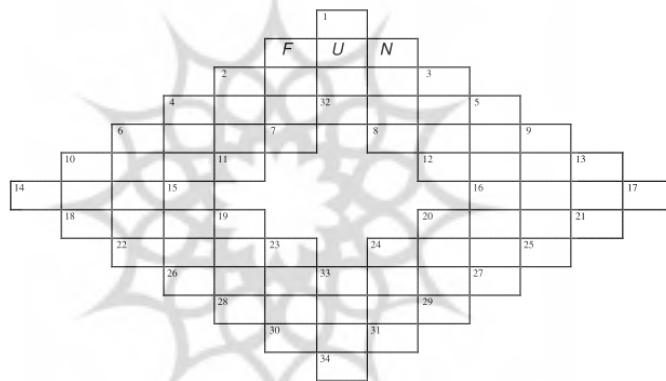
5. riddle

6. anagram

7. cryptogram

معمای مصور<sup>۱</sup> از معتبرترین پازل‌ها و سرگرمی‌های زبانی است<sup>۲</sup> (دنسی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). که از آن به «ایروویک سلول‌های خاکستری مغز» نیز یاد می‌شود (کورتیس و مانسر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱: ۵) و منطق حاکم بر حل آن، مورد تصدیق و تحسین بسیاری از فلاسفه امروز است (گیریل<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳).

به لحاظ پیشینه تاریخی، نخستین سرگرمی‌هایی که می‌توان نام «جدول» بر آن‌ها نهاد، در قرن نوزدهم و در انگلستان برای سرگرمی کودکان منتشر شدند (بریتانیکا، همانجا). اما نخستین جدول مربوط به بزرگسالان که شکلی «الماس‌گونه» داشت، در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۳ در صفحه «تفریحات»<sup>۶</sup> ضمیمه یکشنبه‌های روزنامه نیویورک ورلده<sup>۷</sup> در آمریکا منتشر شد، و طراح آن آرتور وین<sup>۸</sup> نام داشت (والش، ۲۰۰۴: ۲۷).



تصویر (۱): ساختار نخستین جدول دنیا، به طراحی آرتور وین. (منبع: دنسی ۲۰۰۲: ۶۳)

وین نام این تفریح جدید را word cross گذاشت، که به علت اشتباه حروفچین؛ در هفته سوم انتشار به نام crossword چاپ شد، و از آن زمان تاکنون در زبان انگلیسی به همین نام شناخته می‌شود (دنسی ۲۰۰۲: ۶۲). جالب این است که وین فروتانه خود را واضع جدول نمی‌دانست. او گفته است:

1. rebus

۲. به گفته دنسی، انواع سرگرمی‌ها عبارتند از زبانی (مثل جدول)، تصویری (مثل سرگرمی‌های خطای دید)، منطقی (مثل حل پارادوکس)، عددی (مثل مربع جادو) و بازی کردنی (مثل شطرنج و مکعب هوش).

3. M. Danesi

4. S. Curtis and M. Manser

5. T. R. Giril

6. "Funs"

7. *New York World*

8. Arthur Wynne

"اخیراً شنیده‌ام که مرا خالق جدول نامیده‌اند؛ تفریحی که امروز همه را به خود مشغول کرده است. ولی باید گفت که من فقط ایده‌ای به قدمت خود زبان را از رهگذر چینش آن در مربع‌های جدول، مدرن کردم. خوشحالم که در این زمینه نقشی داشته‌ام و باید بگویم که هیچ‌کس به اندازه خودم از محبوبیت عجیب این تفریح، شگفت‌زده نیست..." (وین، به نقل از کاستلو ۱۹۹۶: ۲۲).

تا حدود یک دهه، نیویورک *ورلد* تنها نشریه‌ای بود که جدول چاپ می‌کرد، اما اقبال از این تفریح نوین کم‌کم به حدی زیاد شد که در اوایل دهه ۱۹۲۰، تقریباً تمامی روزنامه‌های معتبر آمریکایی حاوی جدول بودند (والش ۲۰۰۴: ۲۷). انگلستان نیز به سرعت به این موج پیوست و جدول به نشریات آن راه یافت (بریتانیکا، ۴۸۸) و نخستین جدول بریتانیایی در سال ۱۹۲۴ در نشریه *ساندی اکسپرس*<sup>۱</sup> به چاپ رسید (کورتیس و مانسر ۲۰۰۱: ۶). شیوه طراحی جدول نیز دگرگون شد: از سال ۱۹۲۴، مربع‌ها به صورت سیاه و سفید درآمدند و ساختار ظاهری جدول نیز از شکل لوزی به شکل مربع تغییر کرد، لذا توضیحات کلمات نیز به صورت راهنمای افقی<sup>۲</sup> و عمودی<sup>۳</sup> درآمدند (دنسی ۲۰۰۲: ۶۳).

با گسترش روح حل جدول در جامعه آمریکا، توجه ناشری به نام ریچارد سایمون<sup>۴</sup> به مقوله‌ای به نام «کتاب جدول» جلب شد، و در همان سال ۱۹۲۴، به همت او و همکارش ماکس شوستر<sup>۵</sup>، نخستین کتاب جدول در شمارگان ۳۶۰۰ نسخه به چاپ رسید، که به سرعت حیرت‌آوری نایاب شد. طراح جدول‌های این کتاب مارگرت پتربریج<sup>۶</sup> (۱۸۹۷-۱۹۸۴) نام داشت، که شاگرد آرتور وین بود. این کتاب با مداد و پاک‌کن فروخته می‌شد، و پاکت تمبرداری در آن قرار داشت که مردم می‌توانستند با آن، جدول حل شده خود را برای ناشر ارسال کنند (والش، ۲۰۰۴: ۲۸). توفیق تجاری این کتاب باعث شد که جلد بعدی آن به میزان چهارصد هزار نسخه به فروش برسد و پتربریج تا پایان عمر خود ۱۳۶ کتاب جدول طراحی کند. این توفیق به عرصه مطبوعات محدود نشد. در همان دهه ۱۹۲۰ طرح جدول به محصولاتی چون پیراهن، جواهرات، کراوات و غیره هم راه یافت و حتی نمایش موفقی به نام «جدول‌های ۱۹۲۵» در برادوی با موضوع حل جدول به روی صحنه رفت (دنسی، ۲۰۰۲: ۶۴).

- 
1. Sunday Express
  2. across clue
  3. down clue
  4. Richard Simon
  5. Max Schuster
  6. Margaret Petherbridge

موج استقبال از حل جدول به حدی بود که در اواخر سال ۱۹۲۴، روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد که «حل جدول روزنامه‌ها به نوعی "دیوانگی رایج در جامعه" تبدیل شده، که تمامی اقشار و جنس‌ها و نسل‌ها را دربرگرفته است» (والش ۲۰۰۴: ۲۸). اکنون دیگر بسیاری از افراد در حل جدول حرفه‌ای شده بودند و برای حفظ آن‌ها باید جدول‌های دشوارتر، با توضیحات پیچیده‌ای تهیه می‌شد<sup>۱</sup>. با گسترش کتاب‌های جدول، کم‌کم فرهنگ‌های جدول نیز به کتب پر فروش افزوده شدند؛ تا نورسیده‌های این حوزه هم بتوانند به سرعت به حل جدول‌های دشوار پردازند. این فرهنگ‌ها انواع متنوعی دارند؛ مانند استیسیس (۲۰۰۷)، که یکصد هزار واژه انگلیسی را بر اساس حرف اول و آخر و بر اساس تعداد حروف آن‌ها برای خوانندگان خود فهرست کرده است، و یا کورتیس و مانسر (۲۰۰۱) که در آن، کلمات هم‌معنای هر مدخل بر اساس تعداد حروفشان تنظیم شده‌اند (نک. تصویر ۲):

**abnormal** *adj* (3) odd, rum; (4) rare; (5) eerie, queer, weird; (6) chance, creepy; (7) bizarre, deviant, erratic, offbeat, uncanny, unusual; (8) aberrant, atypical, freakish, peculiar, uncommon; (9) anomalous, eccentric, irregular, unnatural; (10) outlandish; (12) supernatural; (13) extraordinary.

(۲): مدخل «Abnormal» در فرهنگ کورتیس و مانسر (۲۰۰۱). با معادل‌هایی از ۳ حرف تا ۱۳ حرف

علاوه بر این، اکنون دیگر می‌توان علاوه بر جدول‌های عمومی، جدول‌های تخصصی بسیاری نیز پیدا کرد، که صرفاً با معلومات تخصصی یک رشته علمی یا یک تخصص فنی خاص حل می‌شوند. این جدول‌ها به دلیل دشواری نسبی‌شان، جذابیت خاص خود را دارند و گاهی برای اهداف آموزشی هم به خدمت گرفته می‌شوند.

جدول‌ها بر اساس نوع توضیحاتشان، به دو گروه جدول‌های سریع<sup>۲</sup> و جدول‌های رمزی<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند. در جدول‌های سریع، راهنماها و توضیحات هر دو شفاف‌اند و از

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخ جدول به میلینگتون ۱۹۷۵ و آرنوت ۱۹۹۶ رجوع کنید.

2. quick (straight) crossword

3. cryptic crossword

بازی‌های رایج زبانی خبری نیست؛ مثلاً پرسشی چون پایتخت فلان کشور، یا نام سازی زهی. البته گرایش غالب این گونه جدول‌ها به ارائه کلمات هم‌معنی به عنوان توضیح کلمه مورد پرسش است و حل‌کننده جدول باید این نکته را به خاطر داشته باشد که یک کلمه مشخص الزاماً فقط یک واژه هم‌معنی با تعداد حروف معین ندارد، چون به عنوان مثال، کلمه‌ای مثل «مهر» می‌تواند دو معادل «شفقت» و «محبت» را داشته باشد، که هر دوی آن‌ها ۴ حرفی هستند. طبیعی است که حل چنین جداولی با داشتن دو توانایی میسر است: نخست معلومات عمومی و دایره‌المعارفی، و دوم ذخیره مطلوبی از واژه‌های مترادف در ذهن حل‌کننده. به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ‌های جدول موجود در بازار، برای حل چنین جداولی به درد می‌خورند.

از سوی دیگر، در جدول‌های رمزی، تعاریف ارائه شده برای کلمات شفاف نیستند. در واقع چالش اصلی حل‌کننده چنین جدول‌هایی نخست این است که بفهمد خود پرسش چیست و در مرحله بعد بتواند پاسخ آن را بیابد. به گفته کورتیس و مانسر (۲۰۰۱: ۸) این «تعریف‌ها در واقع صرفاً «سر نخ» هستند نه توضیح و حل‌کننده جدول نباید به آن‌ها کاملاً اعتماد کند. در چنین شرایطی، باید مفاهیمی چون هم‌آوایی، هم‌نویسی و یا صورت‌های کهن واژه‌ها مد نظر قرار گیرند.

برای درک بهتر این مطلب، مثال‌هایی از فارسی ذکر می‌کنیم. تعاریف‌های پیچیده و کدری چون «عدد ورزشی» (۲ حرفی) یا «درس زورکی» (۳ حرفی) را در یک جدول فارسی در نظر بگیرید. در فضای برون‌زبانی جدول، چنین پدیده‌هایی وجود ندارند. اما توجه به میزان حروف اختصاص یافته به آن‌ها می‌تواند ما را به دو کلمه «دو» و «جبر» برساند؛ که اولی نتیجه هم‌آوایی است، و دومی علاوه بر هم‌آوایی، از مفهوم گسترش معنایی سود می‌جوید. برای یافتن معادل‌های «تلخ» (۲ حرف) و «قاطر» (۳ حرف) نیز چاره‌ای جز دانستن مترادفات منسوخ آن‌ها («مر» و «مال») نیست. نمونه انگلیسی چنین تعریف‌هایی، Marriage days of the week (۴ حرفی) است. در چنین مواردی، حل‌کننده‌های حرفه‌ای ابتدا باید روزهای هفته را به صورت مخفف درآورند، تا بشود صورت جمع آن‌ها را در ۴ حرف ارائه کرد. سپس باید از بین آن‌ها گزینه‌ای را انتخاب کنند که سنخیتی صوری یا آوایی با کلمه marriage داشته باشد. لذا کلمه weds (چهارشنبه‌ها) را انتخاب می‌کنند، چرا که کلمات wed و marry تقریباً با هم هم‌معنا هستند؛ و s- جمع پایانی هم به علت وجود کلمه days در تعریف، باید افزوده شود.



به گفته کورتیس و مانسر (۲۰۰۱: ۸-۱۲)، الگوهای مختلفی برای طراحی جدول‌های دشوار وجود دارد. نخستین آن‌ها، استفاده از واژه‌های مقلوب<sup>۱</sup> است. واژه مقلوب واژه‌ای است که با تغییر حروف آن بتوان به کلمه دیگری دست یافت. مثلاً حروف کلمه teach می‌تواند کلمه cheat را هم بسازند، یا حروف کلمه gyrated می‌توان با جابجایی به صورت کلمه tragedy بازآفرینی کرد. در جدول‌های مستقیم غربی، کلمه «قلب» گهگاه در تعریف ذکر می‌شود، مثل (La paz (anag. که هدفش رسیدن به پاسخ plaza است. اما این راهنمایی در جدول‌های رمزی وجود ندارد و گاهی یافتن پاسخ بسیار دشوار می‌شود. مثلاً «بابک به هم ریخته و کوبیده»، که حل‌کننده جدول باید به سرعت دریابد که در اینجا، «به هم ریخته» به معنای «خشمگین و عصبی» نیست؛ و زمانی که «بابک» را به صورت «کباب» به هم می‌ریزد، متوجه می‌شود که کلمه «کوبیده» در اصل سرنخی برای رسیدن به این جواب بوده است.

الگوی بعدی، سر و ته کردن واژه<sup>۲</sup> است. در این شیوه، در تعریف واژه ممکن است از کلماتی مثل «از آن سر»، «از ته» و امثالهم استفاده شود. همچنین می‌توان از قرار دادن واژه‌ای در دل واژه دیگر بهره برد، مثلاً در فارسی کلمه «شیر» در «شمشیر» موجود است و یا «لوس» در «ملوس» قابل بازیابی است. حذف حرفی از ابتدا، وسط یا انتهای کلمه (با توضیحاتی کدر مانند «سر بریده»، «بدون قلب» یا «دم بریده»)، و نهایتاً استفاده از واژه‌های هم‌نویسه. این الگوهای جالب تعریف کلمات، همان بازی زبانی خاصی است که این مقاله از آن به «معنی‌شناسی جدولی» یاد می‌کند و با توجه به ظرفیت‌های زبان فارسی، به نظر می‌رسد که حوزه‌ای بزرگتر از این موارد داشته باشد، چنان که خواهیم دید. ولی پیش از آن، تاریخچه‌ای از تهیه جدول در ایران را ارائه می‌کنیم.

### ۳ جدول کلمات متقاطع در فارسی

#### ۳-۱ تاریخچه

طبق بررسی‌های نگارندگان، نخستین جدول فارسی در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۱۶ در روزنامه اطلاعات منتشر شده است (قس. پارساخو ۱۳۷۶: ۳۶۱، که به غلط تاریخ چاپ نخستین جدول را سوم مهر ۱۳۳۳ دانسته است). این جدول ۸\*۷ از جدول‌های رمزی به

1. anagram

2. word reversal

شمار می‌آید، چرا که از میان ۲۰ تعریف موجود برای کلماتش، فقط ۶ تای آن‌ها پاسخ شفاف دارند. حل این جدول به مسابقه گذاشته شده بود و پنج برنده برای آن انتخاب می‌شد. شرکت‌کنندگان موظف بودند تا «عین جدول را با چهار شاهی تمبر پست ضمیمه جدولی که خود تهیه نموده‌اند به دفتر روزنامه ارسال دارند». جوایز برندگان عبارت بود از: «برنده اول: یک گلدان نقره، برنده دوم: ۲۰۰ ریال وجه نقد، برنده سوم: یک دوره روزنامه عصر و صبح اطلاعات، برنده چهارم یک دوره ژورنال دو تهران با یک دوره روزنامه عصر و برنده پنجم: یک سال روزنامه صبح و مجله اطاق تجارت».

چاپ جدول در ایران تا حمله متفقین به ایران و کمبود کاغذ ادامه داشت، ولی کم‌کم تعطیل گردید. به گفته پارساخو (۱۳۷۶: ۳۵۷)، پس از شهریور ۱۳۲۰، ایران که به خاطر نخست‌وزیری مصدق و ملی شدن صنعت نفت از خبرسازترین کشورها به شمار می‌رفت، آنچنان سیاست‌زده شده بود که دیگر «جایی برای رشد جدول و سرگرمی در مطبوعات ایران نبود و اگر جدول و سرگرمی داشتند، در ابتدایی‌ترین شکل ممکن بود». در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ جدول و سرگرمی بار دیگر در مطبوعات ایران متولد شد و مجلات اطلاعات هفتگی و تهران مصور در آغاز و سپس چهار مجله محبوب نسل جوان آن روزگار یعنی سپید و سیاه، روشنفکر، فردوسی و امید/ایران نیز صفحاتی را به جدول و سرگرمی اختصاص دادند (همان، ۳۵۷). به گفته پارساخو (همان، ۳۶۱)، دوره تجدید حیات جدول‌های خوب در مطبوعات ایران از ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) آغاز می‌شود؛ یعنی ۴۳ سال پس از تولد نخستین جدول در جهان. اقبال به جدول در ایران نیز بسیار بالا بود، به طوری که در اواسط دهه ۱۳۳۰، کمتر مجله‌ای بود که به جدول روی خوش نشان ندهد، حتی مجله خواندنیها، که منطقی‌تر قرار نبود مردم را سرگرم کند (همان، ۳۶۳). در این دوره و تا سال‌ها، سه نفر جدول مطبوعات ایران را طراحی می‌کردند: شخصی به نام جلوه در روزنامه اطلاعات، میر فخرالدین مدائنی در روزنامه کیهان و جهانگیر پارساخو در مجله‌ها و روزنامه آیدگان<sup>۱</sup> (همانجا). دیگر کسانی که در این حوزه فعالیت کردند، عبارت بودند از جهانگیر افشاری، سیروس مقصودی، سیاوش صالحی، ساسان کیارش، اسماعیل اکبرشاهی، منوچهر احمدی، احمد مهربانی، محمود امین‌زاده، ناصر اشتری، هرمز همایون‌پور، هوشنگ سلطان‌زاده، منوچهر تفنگدار، اسماعیل سنجداآبادی، جمشید رحیم‌زاده، داریوش زمانی

۱. جهانگیر پارساخو احتمالاً رکورددار بیشترین فعالیت در زمینه طراحی جدول در ایران است، که تا سال ۱۳۷۶ از او نزدیک به ۴۰۰ هزار جدول منتشر شده است (پارساخو، ۱۳۷۶: ۳۶۹).

مقدم، پرویز ایزدخواه، اکبر معاونی، کریم هویدایی، هژیر داریوش و پرویز نوری (که دو نفر آخری در عرصه مطبوعات سینمایی نام‌آورتر شدند) (همان، ۳۶۴). این طراحان بر دو اصل در طراحی جدول تأکید داشتند: نخست اینکه جدول ترجیحاً ساختاری متقارن داشته باشد و دوم اینکه تعداد خانه‌های سیاه آن حداکثر ده خانه بیش از مجموع ستون‌های افقی و عمودی باشد. پس یک جدول ۱۵ در ۱۵ می‌توانست حداکثر ۴۰ (۱۰+۱۵+۱۵) خانه سیاه داشته باشد (همان، ۳۶۲).

جدول همچنان در مطبوعات ایران حضوری ثابت دارد و برخی از مطبوعات جدول‌های دو منظوره چاپ می‌کنند؛ جدول‌هایی که یک ساختار و دو شرح متفاوت دارند و حل‌کننده ابتدا با مداد اولی را حل می‌کند و با پاک کردن حل جدول، نسبت به حل کردن همان جدول با توضیحات دیگری اقدام می‌کند. این دو جدول بر اساس سادگی و مشکلی خود، به ترتیب به نام‌های جدول‌های «ساده» و «ویژه» شناخته می‌شوند. پیکره پژوهش حاضر از همین نوع جدول‌ها تشکیل شده است.

### ۲-۳ ویژگی‌های جدول کلمات متقاطع در فارسی:

جدول فارسی در نگاه کلان تفاوتی با جداول دیگر زبان‌ها ندارد، ولی ویژگی‌های خط فارسی می‌تواند آن را از جدول‌های زبانی مانند انگلیسی متمایز کند. عدم نیاز به نمایش واژه‌های کوتاه در خط فارسی و عملکرد نویسه‌های «ا»، «ی» و «و» برای ابراز واج‌های گوناگون (a, o, e, a, u, v) حل جدول فارسی را از یکسو دشوار و از سوی دیگر جذاب می‌کند. بدیهی است که در جدول فارسی، همه حروف به صورت مستقل خود نوشته می‌شوند، یعنی حروف «ه» و «س» و «ع» و امثالهم به صورت‌های ابتدایی، میانی و یا انتهایی خود نمی‌آیند. همچنین لازم به ذکر است که حروف «آ» و همزه در جدول‌های فارسی وجود ندارند و به جای آن‌ها از «ا» و «ی» استفاده می‌شود (مثل «المان»، «ارا» و «امین» به جای «آلمان»، «آرا» و «آمین»، و یا «لایوس»، «یایس» و «دویل» به جای «لائوس»، «یائس» و «دوئل»). با دانستن این موارد، داده‌های پژوهش حاضر را معرفی می‌کنیم.

### ۴ چارچوب نظری

از آنجا که بررسی داده‌های تحقیق حاضر بر مبنای معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گراست ارائه تاریخی مختصر از این دست مطالعات لازم به نظر می‌رسد. معنی‌شناسی واژگانی در قالب

شاخه‌ای از مطالعه معنی و به منزله رشته‌ای خاص در سال‌های آغازین قرن نوزدهم پدید آمد. این شاخه از مطالعات معنی پیش از آن در سه سنت مطالعاتی دیگر جای داشت؛ ریشه‌شناسی نظریه‌پردازانه، سنت بلاغت، واژه‌نگاری. پرسش اصلی ریشه‌شناسی نظریه‌پردازانه این بود که طبیعت‌گرایی یا قراردادی بودن واژه‌ها کدامیک درست است. در سنت بلاغت کاربرد مفاهیمی چون استعاره و مجاز و طبقه‌بندی الگوهای نظام‌مند رفتارهای معنایی واژه‌ها به منظور تدریس مقاله‌نویسی و فن سخنوری مورد نظر بود. اما از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پیوند میان واژه‌نگاری و معنی‌شناسی واژگانی به تدریج محکم و مستحکم شد؛ فرهنگ‌نامه‌ها با وجود ذکر مثال‌هایی از متون ادبی از وجاهت تجویزی برخوردار شدند و مستنداتی برای حفظ زبان ناب و کاربرد صحیح زبان محسوب می‌شدند. در اواخر قرن نوزدهم از وجه تجویزی کاسته شد و فضای تازه‌ای برای انتشار فرهنگ‌های توصیفی ایجاد شد (گیررتس، ۱۳۹۵: ۴۵).

شیوه تفکر ساخت‌گرا تأثیر چشمگیری بر معنی‌شناسی واژگانی بر جای گذاشته است. این تفکر مسیر مطالعه معنی را از تمرکز صرف بر تغییر معنایی کلمات در طول زمان به سمت و سوی توصیف پدیده‌های زبانی به شیوه هم‌زمانی سوق داده است. تفکر ساخت‌گرا در معنی‌شناسی واژگانی ما را با این واقعیت آشنا ساخت که واژگان انباره تلمبارشده‌ای از واژه‌ها نیست، بلکه شبکه‌ای از الفاظی است که برحسب تنوعی از پیوندهای معنایی در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند. تبیین نظام‌مند روابط واژگانی با ظهور معنی‌شناسی ساخت‌گرا به حوزه مطالعه معنی راه یافت. ابداع اصطلاحات تازه در توضیح این روابط مفهومی از دستاوردهای معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گراست.

عمده‌ترین روابط مفهومی میان عناصر واژگانی در معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گرا عبارتند از: هم‌معنایی (ترادف)<sup>۱</sup>، تضاد معنایی<sup>۲</sup>، شمول معنایی<sup>۳</sup>، جزء‌واژگی<sup>۴</sup> (گیررتس، ۱۳۹۵: ۱۸۷):

**هم‌معنایی (ترادف):** رابطه‌ای مفهومی است که به همسانی معنایی اشاره دارد. دو واژه زمانی با هم مترادف هستند که بتوانند در یک بافت جایگزین هم شوند، بدون اینکه تغییری در ارزش معنایی لفظ تولید شده پدید آید. هم‌معنایی مطلق زمانی امکان‌پذیر است که واژه‌های هم‌معنی از یک دامنه معنایی برخوردار باشند و در تمام بافت‌ها به جای هم به کار

1. synonymy
2. antonymy
3. hyponymy
4. meronymy

بروند. اما هم‌معنایی نسبی زمانی قابل طرح است که دو واژه در بافت‌های خاص به جای هم به کار بروند، مثلاً مردن، درگذشتن، به درک واصل شدن هم‌معنایی نسبی هستند.

**تضاد معنایی:** که با نام تقابل معنایی هم خوانده می‌شود دارای انواع مدرج (مثل کوتاه و بلند)، نامدرج (مثل مرده و زنده)، تباین یا تقابل چندوجهی (مثل داغ، گرم، نیم‌گرم و ولرم)، معکوس (مثل رفت و آمد) است.

**شمول معنایی:** رابطه مفهومی میان واژه شامل نظیر پرنده و واژه گنجشک گفته می‌شود که نوعی از واژه شامل است. این رابطه را می‌توان در قالب عبارت A نوعی از B است تشخیص داد.

**جزءواژگی:** رابطه مفهومی میان کل و جزء است که باید از شمول معنایی متمایز شود. مثلاً میان «پا» و «زانو». این رابطه را می‌توان در قالب عبارت A بخشی از B است تشخیص داد. گونه‌ای از جزءواژگی به رابطه بخشی از کل با خود کل بازمی‌گردد (مثل رایانه و صفحه کلید). در گونه‌ای دیگر، جزءواژگی به رابطه یک عضو با یک مجموعه مربوط می‌شود (مثل رابطه سرباز و ارتش). در نوعی دیگر رابطه یک چیز و جنس آن مطرح است (مثل «چوب» و «در») و یا بخشی از کار با خود کار (مثل «پول پرداختن» و «خرید کردن»).

## ۵ تحلیل داده‌ها

در این بر مبنای چارچوب نظری معنی‌شناسی واژگانی ساخت‌گرا داده‌های موجود در پیکره تحقیق را طبقه‌بندی و تحلیل کنیم.

### ۵-۱ تحلیل داده‌ها در پیکره پژوهش حاضر

پیکره این پژوهش، جداول یک ماه (تیر ۱۳۹۰) روزنامه/یران است که با جداول عادی (ساده) و ویژه شماره ۴۸۲۱ (چهارشنبه اول تیرماه ۹۰) آغاز می‌شود و با جداول عادی (ساده) و ویژه شماره ۴۸۴۴ (پنج‌شنبه ۳۰ تیرماه ۹۰) پایان می‌یابد و مجموعاً ۲۴ جفت جدول را شامل می‌شود. این جداول همگی ۱۵ در ۱۵ هستند و هر کدام به طور متوسط ۸۸ کلمه را در خود جای می‌دهند. برای انجام این پژوهش، تعاریف این جداول به میزان ۴۳۰۰ تعریف به همراه واژه‌های ناظر بر آن‌ها (بر اساس حل جدول در روز بعد) توسط نگارندگان وارد پایگاه داده‌ها شدند و بر اساس شاخص‌های معنایی خود، دسته‌بندی شدند. از میان این تعاریف، تعداد زیادی تکراری بودند و در نهایت ۳۳۳۹ مورد برای بررسی باقی

ماندند. آمار موارد بررسی شده بر اساس تعداد حروف آنها به شرح زیر است که در جدول (۱) می‌آید:

جدول (۱): واژه‌های هدف بر مبنای تعداد حروف در جدول‌های کلمات  
مقاطع در پیکره تحقیق حاضر

۲ حرفی	۴۲۸ مورد
۳ حرفی	۶۰۲ مورد
۴ حرفی	۱۰۷۰ مورد
۵ حرفی	۷۷۰ مورد
۶ حرفی	۱۹۵ مورد
۷ حرفی	۱۰۳ مورد
۸ حرفی	۴۸ مورد
۹ حرفی	۴۱ مورد
۱۰ حرفی	۴۷ مورد
۱۱ حرفی	۲۴ مورد
۱۲ حرفی	۴ مورد
۱۳ حرفی	-
۱۴ حرفی	-
۱۵ حرفی	۷ مورد

آمار این جدول نشان می‌دهد که طراحان جدول فارسی بیشتر از کلمات چهار حرفی استفاده می‌کنند و هر چه تعداد حروف افزایش می‌یابد، احتمال حضور آن کلمه در جدول کمتر می‌شود. دلیل اینکه کلمات سه و دو حرفی رکوردهای بعدی را دارند، احتمالاً این است که این کلمات به خوبی می‌توانند خلل و فرج پدیدآمده در جدول را پر کنند و چه بسا پیدا کردن آنها از پیدا کردن موارد ده حرفی به بالا هم سخت‌تر باشد. برای تحلیل داده‌های مورد نظر پژوهش حاضر ابتدا آنها را در قالب طبقه‌های معنایی دسته‌بندی کرده‌ایم. طبقات سی و پنج‌گانه معنایی به قرار زیر هستند که برای روشن شدن هریک از موارد مورد نظر مثالی از پیکره پژوهش ارائه می‌شود:

۱. تعریف مبتنی بر باورهای اجتماعی یا دانش دایره‌المعارفی که چیزی شبیه به حل معما را پیش روی خواننده می‌گذارد، مانند: باریکتر از آن نیست؛ مو
۲. اسم خاص (شخص، کتاب، فیلم، مکان)، مانند: آخرین سوره در قرآن کریم؛ ناس
۳. اسم عام (دخترانه)، مانند: از نام‌های دختران؛ مهری
۴. اسم عام (پسرانه)، مانند: اسم مردانه؛ گودرز
۵. تعریف مبتنی بر هم‌آوایی، مانند: نت مخمور؛ نی. شاعر مسافر؛ رهی.
۶. تعریف مبتنی بر هم‌نویسی یا شکل ظاهری، مانند: حرف عصا؛ لام. گل نومیدی؛ یاس.
۷. مبتنی بر هم‌آوا-هم‌نویسی، مانند: ماه پرتاب کردنی؛ تیر. نت منفی: لا.
۸. تکواژهای دستوری، مانند: نشانه فعل مضارع؛ می.
۹. تعریف مبتنی بر باهم‌آیی، مانند: همراه آشغال؛ آت.
۱۰. تعریف مبتنی بر تضاد معنایی، مانند: سفید نیست؛ سیاه.
۱۱. بخشی از کلمه، مانند: هنوز قاچ نشده؛ قا.
۱۲. واژه غیر فارسی، مانند: یادداشت؛ نت.
۱۳. اسم شخصیت‌های داستانی و ادبی، مانند: الهه زیبایی؛ ونوس.
۱۴. نام آوا یا صوت، مانند: آواز قورباغه؛ غر.
۱۵. صورت‌های تصریفی فعل، مانند: ماضی شدن؛ شد.
۱۶. صورت‌های کوتاه شد، مانند: مخفف چشم؛ چش.
۱۷. نام حروف، مانند: حرف سفره نروزی؛ سین.
۱۸. جمع مکسر کلمات عربی، مانند: دوره‌ها؛ ادوار.
۱۹. واحدهای شمارش و ممیزها، مانند: واحد شمارش کشتی؛ فروند.
۲۰. صورت‌های فارسی‌گفتاری، مانند: گریبان؛ یخه.
۲۱. بخشی از اصطلاح یا ضرب‌المثل یا عبارتی کنایی و ضمنی، مانند: سودای ناله/ گاه از نهاد برآید؛ آه. کارسنجیده؛ دیمی.
۲۲. بخشی از فعل، مانند: بچه می‌کشد؛ قد. به سیگار می‌زنند؛ پک.
۲۳. واژه‌های کودکانه، مانند: خواب کودکانه؛ لالا.
۲۴. واژه‌فرنگی برای کلمه فارسی، مانند: بی‌دین؛ لاییک.
۲۵. واژه‌های گویشی، مانند: دایی شیرازی؛ خالو.
۲۶. مترادف/ هم‌خانواده، مانند: آواره؛ بیخانمان.
۲۷. جزئی از کل که با تعداد خانه‌های جدول متناسب باشد، مانند: در کشتی کار می‌کند؛ ملوان.
۲۸. نام تخصیص یافته به چیز یا پدیده‌ای/ تعریف / نام دیگر چیزی، مانند: در ریاضیات به مجموعه‌ای که دارای اجزای محدود باشد گفته می‌شود؛ متناهی.
۲۹. توصیف/ صفتی برای اسمی، مانند: در حال ششپون؛ نالان.
۳۰. ضرب‌المثل یا اصطلاح، مانند: اغراق کردن و به موضوعی بیش از حد اهمیت دادن؛ آب و تاب دادن.

۳۱. بخشی از نقل قول یا جای خالی ای معروف، مانند: زیانبار است و حضرت رسول آن را مایه هلاک می‌داند؛ دروغ.

۳۲. معادل فارسی کلمات بیگانه، مانند: دکترین؛ آموزه.

۳۳. مترادف مهجور و قدیمی، مانند: قفل قدیمی؛ کلون.

۳۴. سرواژسازی، مانند: فدراسیون جهانی شنا؛ فینا.

۳۵. علامت تعجب به کار رفته در تعریف به عنوان شوخی یا علامتی که طراح جدول خواننده را متوجه منظور خود کند<sup>۱</sup>، مانند: از خانم‌ها نپرسید؛ سن.

اکنون در جدول (۲) بر مبنای پیکره داده‌های مورد نظر در این پژوهش بسامد وقوع و رخداد هریک از طبقات معنایی مورد نظر نخست در جدول‌های عادی و سپس در جدول‌های ویژه بررسی می‌شود و در نهایت بسامد کلی هریک ارائه می‌شود:

جدول (۲): طبقات واژگانی - معنایی بر مبنای موارد رخداد در جدول‌های کلمات متقاطع عادی و ویژه پیکره تحقیق حاضر

ردیف	طبقه‌های واژگانی - معنایی	تعداد در جدول ساده	تعداد در جدول ویژه	تعداد کل
۱.	تعریف مبتنی بر باور اجتماعی یا دانش دایره‌المعارفی	۱۰۸	۶۵	۱۷۳
۲.	اسم خاص (شخص، فیلم، کتاب، مکان)	۱۷۰	۲۴۲	۴۱۲
۳.	اسم عام دخترانه	۶	۵	۱۱
۴.	اسم عام پسرانه	۲	۵	۷
۵.	تعریف مبتنی بر هم‌آوایی	۲	۲	۴
۶.	تعریف مبتنی بر هم‌نویسی یا شکل ظاهری	۶	۱	۷
۷.	تعریف مبتنی بر هم‌آوا-هم‌نویسی	۸	۳	۱۱

۱. در مورد این گونه شوخی‌های زبانی، در زبان فارسی یک کتاب خواندنی وجود دارد. عباس توفیق (سردبیر نشریات توفیق) با گردآوری واژه‌هایی که خوانندگان به شوخی آنها را معنی می‌کردند و در ستونی به نام «فرهنگ توفیق» چاپ می‌شد، در سال ۱۳۴۴ کتاب به نام فرهنگ توفیق منتشر کرد و آن را «نخستین دیکسیونر فکاهی در دنیا» نامید. این فرهنگ که ۴۳۱۵ واژه فکاهی را شامل می‌شد، حاوی مواردی بود که بسیار یادآور برخی توضیحات جدول است. مثلاً نمونه‌های تعریفی زیر: آسانسور: زندان موقت؛ پله تحصیل کرده، حمال برقی، پلکان تبیل‌ها، پله پرنده، آلونک متحرک، ماشین شخصی کارمندان دون پایه (توفیق، ۱۳۴۴: ۱۹).

آینه: شیشه عمر دختران هوا، تلویزیون ارزان قیمت، عکاس فوری، قبله خانم‌ها، آب سرپا یکی، عشوگاه خانم‌ها، چیزی که مردم در آن فقط محاسن خود را جستجو می‌کنند، شینی رک‌گو (همان، ۲۲).

عینک: ترانسفورماتور چشم، چشمک عربی، عصای چشم، کمک دنده چشم، سنگر چشم، چشم زاپاس، ویتترین چشم، سوارکار بینی، حب اتم چشم، چشم دستی، ویتترینی که چیزهای معیوب در پشت آن قرار دارد (همان، ۱۴۱).



۷۲	۳۹	۳۳	۸. تکواژ دستوری
۷۲	۳۰	۴۲	۹. تعریف مبتنی بر باهم‌آیی
۴۸	۷	۴۱	۱۰. تعریف مبتنی بر تضاد معنایی
۳	۳	-	۱۱. بخشی از کلمه
۵۱۳	۳۱۹	۱۹۴	۱۲. واژه غیر فارسی
۱۷	۷	۱۰	۱۳. اسم شخصیت‌های داستانی و ادبی
۳۱	۱۹	۱۲	۱۴. نام آوا یا صوت
۱۲	۲	۱۰	۱۵. صورت‌های تصریفی فعل
۱۵	۳	۱۲	۱۶. صورت‌های کوتاه شده
۷	۵	۲	۱۷. نام حروف
۵۸	۲۲	۳۶	۱۸. جمع مکسر کلمات عربی
۲۰	۹	۱۱	۱۹. واحدهای شمارش و ممیزها
۱۰	۶	۴	۲۰. صورت‌های فارسی گفتاری
۱۴	۶	۸	۲۱. بخشی از اصطلاح یا ضرب‌المثل
۷	۳	۴	۲۲. بخشی از فعل
۵	۳	۲	۲۳. واژه‌های کودکانه
۱۱۳	۶۴	۴۹	۲۴. واژه‌فرنگی برای کلمه فارسی
۵	۳	۲	۲۵. واژه‌های گویشی
۵۳۲	۲۵۸	۲۷۴	۲۶. مترادف/ هم‌خانواده
۲۶۵	۱۴۰	۱۲۵	۲۷. جزئی از کل که با تعداد خانه‌های جدول متناسب باشد (جزء‌واژگی)
۵۷۲	۲۷۶	۲۹۶	۲۸. نام تخصیص یافته به چیز یا پدیده‌ای/ تعریف / نام دیگر
۴۴	۲۰	۲۴	۲۹. توصیف/ صفتی برای اسمی
۹	-	۹	۳۰. ضرب‌المثل یا اصطلاح
۲۰	۳	۱۷	۳۱. بخشی از نقل قول یا جای خالی‌ای معروف
۷۳	۳۷	۳۶	۳۲. معادل فارسی کلمات بیگانه
۲۷	۱۳	۱۴	۳۳. مترادف مهجور و قدیمی
۲	۱	۱	۳۴. سرواژسازی
۳۴	۱۰	۲۴	۳۵. علامت تعجب به کار رفته در تعریف <sup>۱</sup>

۱. هریس (۲۰۰۵) این‌گونه از نشان‌نماها را که در طراحی جدول کلمات متقاطع مرسومند نشان‌نماهای غیرعادی (whimsy indicator) می‌خوانند.

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، بر مبنای تعداد کل موارد (واژه‌های هدف) که در دو گونه جدول‌های عادی و ویژه به کار رفته‌اند بیشترین طبقات معنایی که برای تعریف واژه‌های هدف در جدول کلمات متقاطع به کار رفته‌اند عبارتند از: نام تخصیص یافته به چیز یا پدیده‌ای / تعریف / نام دیگر (۵۷۲ مورد)، مترادف / هم‌خانواده (۵۳۲ مورد)، واژه غیرفارسی (۵۱۳ مورد)، اسم خاص (شخص، فیلم، کتاب، مکان؛ ۴۱۲ مورد)، جزئی از کل که با تعداد خانه‌های جدول متناسب باشد (۲۶۵ مورد)، تعریف مبتنی بر باور اجتماعی یا دانش دایره‌المعارفی (۱۷۳ مورد). همچنین، جدول (۲) نشان می‌دهد که در جدول‌های ویژه نسبت به جدول‌های عادی / ساده طبقات معنایی خاصی دارای موارد بیشتری از واژه‌های هدف هستند که عبارتند از: اسم خاص (شخص، فیلم، کتاب، مکان)، واژه غیرفارسی، واژه فرنگی برای کلمه فارسی، واژه‌های گویشی، جزئی از کل که با تعداد خانه‌های جدول متناسب باشد، معادل فارسی کلمات بیگانه. در مقابل، در جدول‌های عادی / ساده طبقات معنایی خاصی بیشترین موارد را به خود اختصاص می‌دهند که عبارتند از: تعریف مبتنی بر باور اجتماعی یا دانش دایره‌المعارفی، تعریف مبتنی بر هم‌آوایی، تعریف مبتنی بر هم‌آوا-هم‌نویسی، تعریف مبتنی بر باهم‌آیی، تعریف مبتنی بر تضاد معنایی، مترادف / هم‌خانواده، نام تخصیص یافته به چیز یا پدیده‌ای / تعریف / نام دیگر، ضرب‌المثل یا اصطلاح، بخشی از نقل قول یا جای خالی‌ای معروف، علامت تعجب به کار رفته در تعریف. بنابراین، مترادف، تضاد، تعریف قاموسی، هم‌نویسی، هم‌آوایی، دانش زبانی مبتنی بر دانش صرفی و نحوی مربوط به جدول‌های ساده و معادل‌یابی‌های چالشی و دشوار از زبان‌های دیگر، اسامی خاص شخصیت‌ها و پیدا کردن واژه‌های مناسب خانه‌های جدول به شیوه‌ای دشوار و چالش برانگیز که نیازمند صرف انرژی ذهنی بیشتری هستند به جدول‌های ویژه تعلق دارند. به طور مثال، واژه‌های زیر در جداول عادی و ویژه دارای تعاریف متفاوتند:

هدهد: پوپک / شانه یه سر (جدول عادی)

هدهد: پرندۀ سلیمان / کاکلی (جدول ویژه)

ا: دو یار قدبلند (جدول عادی)

ا: یازده / عدد ورزشی (جدول ویژه)

نل: برج جدولی (جدول عادی)

نل: برج کج (جدول ویژه)

هن: نفس خسته (جدول عادی)

هن: نفس چاق (جدول عادی)

خدا: پروردگار (جدول عادی)

خدا: یارب (جدول ویژه)

آش: غذای نذری (جدول عادی)

آش: غذای مریض (جدول ویژه)

یگانه: یکتا (جدول عادی)

یگانه: بی‌تا (جدول ویژه)

نم: رطوبت کم (جدول عادی)

نم: رد پای آب (جدول ویژه)

داخل: درون (جدول عادی)

داخل: تو (جدول ویژه)

اکنون در جدول (۲) بر مبنای پیکره داده‌های مورد نظر در این پژوهش به پاسخ به این پرسش می‌پردازیم که آیا تعداد حروف کلمات هدف در جدول‌ها با عادی یا ویژه بودن جدول‌ها ارتباط دارند یا خیر؟ به منظور پاسخ دادن به این پرسش تعداد حروف کلمات هدف در هر دو نوع جدول بررسی شده است که نتایج آن در جدول (۳) می‌آید:

جدول (۳): واژه‌های هدف بر مبنای تعداد حروف در جدول‌های کلمات متقاطع عادی و ویژه در پیکره تحقیق حاضر

ردیف	تعداد حروف	تعداد در جدول (۱): عادی	تعداد در جدول (۲): ویژه
۱	دو حرفی	۲۱۳ مورد	۲۱۵ مورد
۲	سه حرفی	۳۰۷ مورد	۲۹۵ مورد
۳	چهار حرفی	۵۲۵ مورد	۵۴۴ مورد

۴	پنج حرفی	۳۸۸ مورد	۳۸۲ مورد
۵	شش حرفی	۹۸ مورد	۹۷ مورد
۶	هفت حرفی	۴۹ مورد	۵۴ مورد
۷	هشت حرفی	۲۴ مورد	۹ مورد
۸	نه حرفی	۲۰ مورد	۲۱ مورد
۹	ده حرفی	۲۴ مورد	۲۳ مورد
۱۰	یازده حرفی	۱۲ مورد	۱۲ مورد
۱۱	دوازده حرفی	۲ مورد	۲ مورد
۱۲	سیزده حرفی	-	-
۱۳	چهارده حرفی	-	-
۱۴	پانزده حرفی	۴ مورد	۳ مورد

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد بر مبنای تعداد حروف تفاوت مشهود و قابل ملاحظه‌ای در این دو نوع جدول دیده نمی‌شود.

## ۶ خلاصه و نتیجه‌گیری

پرسش اصلی در این پژوهش این بود که چه عامل یا عواملی جدول کلمات متقاطع را از مدخل‌های فرهنگ لغت‌ها متمایز می‌کند و آن را تبدیل به بازی‌ای زبانی می‌کند که حل و تمرین آن لذت‌بخش است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که جدول‌های کلمات متقاطع دارای تفاوت‌های اساسی با مدخل‌های واژگانی در فرهنگ لغات است. برای بررسی دقیق این تفاوت‌ها ابتدا جدول‌ها را بر مبنای سهولت و دشواری تعاریف ارائه شده برای حل جدول به دو دسته عادی/ ساده و ویژه تقسیم‌بندی کرده‌ایم. سپس، پرکاربردترین طبقات معنایی را که در ارائه تعاریف جدول‌ها استفاده شده‌اند استخراج نموده و بسامد رخداد هر طبقه را نخست در جدول‌های عادی و سپس در جدول‌های ویژه محاسبه کرده‌ایم. نتایج به دست آمده از این داده‌ها در قالب جدول (۱) و (۲) ارائه شده‌اند. جدول (۱) تعداد حروف واژه‌های هدف را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که واژه‌های هدف غالباً چهار حرفی بوده‌اند. جدول (۲) نشان می‌دهد که تعریف واژه هدف بر مبنای روابط واژگانی ساده نظیر تعریف بر مبنای مترادف و تضاد در جدول‌های ساده بیشتر است و تعاریف مبتنی بر دانش شناختی گسترده و نیز علم به معادل‌های غیرفارسی (اعم از عربی یا انگلیسی، فرانسه، روسی) در جدول‌های ویژه بیشتر هستند.

جدول (۳) نشان می‌دهد که بر مبنای تعداد حروف، تفاوت مشهود و قابل ملاحظه‌ای در این دو نوع جدول دیده نمی‌شود.

به طور کلی، بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که میان تعاریف مدخل‌های واژگانی فرهنگ لغات و جدول کلمات متقاطع تفاوت‌هایی وجود دارد که عبارتند از:

۱. تعاریف ارائه شده در جدول کلمات متقاطع به منظور تشخیص واژه هدف نسبت به تعاریف مدخل‌های واژگانی فرهنگ لغات تعاریفی کوتاه و مختصرند که از ساده در جدول‌های عادی تا تعاریف کنایه‌آمیز و استعاری در جدول‌های ویژه را شامل می‌شوند. همین کوتاهی و ایجاز تعاریف در حل جدول‌های ویژه فرد را با صرف انرژی ذهنی بیشتر به منظور حل جدول مواجه می‌سازد. حتی تعریف یک واژه واحد در دو نوع جدول ساده/عادی و ویژه یکی نیست و ما در بخش ۵-۱ به برخی نمونه‌ها اشاره کردیم.
۲. تعاریف ارائه شده در جدول کلمات متقاطع به نحوی است که به دانشی نسبی از سایر زبان‌ها نیز نیاز است چرا که مملو از معادل‌های بیگانه و غیرفارسی است.
۳. پایه اولیه تعاریف ارائه شده در جدول کلمات متقاطع عادی روابط واژگانی است. این در حالی است که روابط معنایی چون مترادف و تضاد تنها در برخی از فرهنگ لغات که به همین نام فرهنگ لغات مترادف‌ها و متضادها و یا تزاروس<sup>۱</sup> معروفند، مطرحند.
۴. تعاریف ارائه شده در جدول کلمات متقاطع نیازی به نخستی‌های معنایی<sup>۲</sup> ندارند چراکه معنی فرهنگ‌نامه‌ای آن‌ها مورد نظر است (اپرسجان، ۲۰۰۰). در توضیح نخستی معنایی باید گفت که راسل واژه‌های عینی<sup>۳</sup> را از واژه‌های فرهنگ‌نامه‌ای<sup>۴</sup> متمایز کرد (لاینز، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۳۴). در نظر او واژه‌های عینی فی‌نفسه معنی دارند و برای آموختن آن‌ها نیاز به واژه‌های دیگر نیست. اما واژه‌های فرهنگ‌نامه‌ای به لحاظ نظری شناور هستند و باید تعریف شوند و به لحاظ منطقی و روان‌شناختی نیز به کمک واژه‌های عینی دیگر آموخته می‌شوند. خود واژه‌های عینی توسط نمودشان یعنی اشاره آموخته می‌شوند. آنچه معنای واژه‌های عینی را مشخص می‌کند دلالت ارجاعی است. آگدن<sup>۵</sup> در سال‌های دهه ۱۹۳۰ انگلیسی پایه را بر مبنای دیدگاه راسل معرفی کرد. او معتقد بود واژگان پایه انگلیسی شامل

---

1. thesaurus  
 2. semantic primitive  
 3. object-word  
 4. dictionary word  
 5. C. K. Ogden

۸۵۰ واژه است که برای تعریف سایر واژه‌های این زبان کفایت می‌کند. این واژه‌ها ساده، پربسامد، متداول و رایجند.

۵. تعاریف ارائه شده در جدول کلمات متقاطع از ژانر و قواعد خاصی برخوردارند و همین سبب شده است که بتوانیم طبقات معنایی نظیر آنچه در جدول (۲) آمده است را ارائه دهیم.

اکنون پاسخ به پرسش اصلی پژوهش آسان می‌شود که چه چیزی جدول کلمات متقاطع را از مدخل‌های فرهنگ لغت‌ها متمایز می‌کند و آن را تبدیل به بازی‌ای زبانی می‌کند؟ به نظر می‌رسد پیروی از قواعد واژگانی خاص این جدول‌ها را مبدل به بازی‌ای ذهنی می‌کند که حل آن‌ها نیازمند صرف انرژی ذهنی است.

۶. جنبه بازی بودن جدول کلمات متقاطع آن را از فرهنگ لغت متمایز می‌کند. البته باید در نظر داشت که آنچه در اینجا از آن به بازی زبانی یاد می‌شود متفاوت از نظریه بازی زبانی در فلسفه است. نظریه بازی‌های زبانی اساساً یک دیدگاه فلسفی پست‌مدرن درباره زبان است (صفوی: ۱۳۸۲، ۱۳۷۹، و لی، ۱۳۹۸). نظریه بازی‌های زبانی محوری‌ترین بحث فلسفه متأخر لودویگ ویتگنشتاین فیلسوف اتریشی تبار انگلیسی، است. این نظریه در تقابل با نظریه تصویری زبان، که هسته فلسفه متقدم ویتگنشتاین است، بسط یافته است. براساس نظریه تصویری، زبان صرفاً یک کارکرد دارد: تصویرگری واقعیت. ما می‌توانیم با شناخت حقیقت زبان، حقیقت جهان را دریابیم. در واقع، نظریه اخیر اساساً نماینده یک دیدگاه مدرن درباره زبان است. در مقابل، طبق نظریه بازی‌های زبانی، زبان پدیده‌ای چندبعدی است، از این رو، نمی‌توان آن را از دیدگاهی ذات‌گرایانه دریافت. در واقع، زبان پیکره‌ای از بازی‌های زبانی کارکردهای زبانی، متفاوت است. هریک از این بازی‌های زبانی با شکلی از زندگی منطبق است. بنابراین، فهم یک بازی زبانی مستلزم شرکت در آن شکلی از زندگی است که بازی زبانی مورد نظر در بستر آن واقع می‌شود. در اینجا منظور از بازی زبانی این واقعیت است که نظام زبان به دلیل ویژگی قاعده‌مند بودن دارای ماهیت بازی‌گونه است. به همین دلیل است که سوسور و ویتگنشتاین زبان را بازی زبان می‌خوانند (لاینز، ۱۳۹۱ و هریس، ۱۹۹۸). اما آنچه جدول کلمات متقاطع را از زبان بدان شکل که در فرهنگ لغات نمود می‌یابد متمایز می‌کند، برخوردار بودن این جدول‌ها از بازی دیگری است که بر مبنای قواعد خاص خود شکل گرفته و تدوین یافته‌اند.

۷. تدوین فرهنگ لغت تابع شرایط خاصی است که آن را متمایز از جدول کلمات متقاطع می‌کند. تعاریف در جدول کلمات متقاطع بیشتر سرنخ هستند تا تعریف تا جایی که

گویی به تعبیر هولمز (۲۰۰۵) طراح و حل‌کننده جدول با یکدیگر می‌چ انداخته‌اند و میزان کارایی آن سرنخ‌ها منجر به شکل‌گیری دو نوع جدول عام/عادی<sup>۱</sup> و تخصصی یا ویژه<sup>۲</sup> می‌شود. حتی تعاریف به کار رفته در جدول‌های ویژه ناقص‌تر از مدخل‌های واژگانی هستند. گیرتس (۲۰۰۳) معتقد است که در تعریف مدخل واژگانی کلمات باید از سه نوع معنی در کنار معنی ارجاعی نیز سخن گفت: معنی عاطفی، معنی کاربردی و معنی گرامری. احتمالاً دلیل اینکه از این نوع تعاریف استفاده نمی‌شود این است که در فرهنگ لغت هدف شفاف‌سازی و جدول کلمات متقاطع هدف سرنخ دادن و ایجاد بازیو سرگرمی زبانی است. علاوه بر این، فرهنگ‌نویسان با لحاظ کردن خوانندگان و کاربران فرهنگ‌ها اقدام به تدوین فرهنگ می‌کنند و تعاریف آن‌ها برای مداخل واژگانی دارای چنین ملاحظاتی است (هارتمن و جیمز، ۲۰۰۲). این درست همان چیزی است که در تدوین جدول کلمات متقاطع چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد (اتکینز و راندل، ۲۰۰۸). لیو (۲۰۱۳) از عنوان مفهوم<sup>۳</sup> برای تعاریف ارائه شده در فرهنگ لغات استفاده می‌کند تا آن را از تعریف<sup>۴</sup> متمایز کند و معتقد است که مفهوم به معنای مفهومی<sup>۵</sup> کلمه اشاره دارد و در تقابل با معنای ارجاعی<sup>۶</sup> کلمه است و معنای ارجاعی را قطعه‌ای از جهان بیرون می‌داند که عبارت زبانی برای اشاره به آن وضع شده است. همان‌گونه که در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نیز اشاره شد نام مکان‌ها، اشخاص، فیلم‌ها و به طور کلی نام‌های خاص دارای درصد بالایی از کاربرد در جدول کلمات متقاطع فارسی هستند و این درحالی است که بیشتر مدخل‌های واژگانی فرهنگ‌ها به معنای مفهومی اختصاص دارند.

نتیجه اینکه با توجه به توضیحات بالا فرضیه ابتدائی تحقیق تأیید می‌شود. از دستاوردهای تحقیق حاضر می‌توان در تدوین جدول کلمات متقاطع برای کتاب‌های آموزش زبان فارسی بهره برد، چراکه جدول در آموزش زبان هم نقش مؤثری دارد. احتمالاً کارتر (۱۹۷۴) نخستین کسی است که به اهمیت کاربرد جدول در کلاس زبان خارجی تصریح کرده است. توماس (۱۹۷۹) با چاپ جدولی در آموزش زبان آلمانی، دست به ابتکار جالبی زده است: پرسش‌هایی که قرار بوده صورت پر کردن جاهای خالی حل شوند،

- 
1. general
  2. specialised
  3. sense
  4. definition
  5. conceptual meaning
  6. denotational meaning

به جدول منتقل شده‌اند. این تمرین، ناخودآگاه پر از ارفاق است، چرا که زبان‌آموز ممکن است پاسخ پرسش مشخصی را نداند ولی با حل سایر پرسش‌ها به پاسخ درست دست یابد. به گفته اسکولفیلد (۱۹۹۹: ۶۸۱)، از حل جدول می‌توان به عنوان «تکلیف تمییز هم‌معنایی»<sup>۱</sup> بهره برد. مک‌آدو (۱۹۸۸) از کسانی است که آموزش واژگان از طریق استفاده از جدول را بسیار مفید و سریع می‌داند. به همین صورت می‌توان با در نظر گرفتن چارچوب کلی و قواعد طراحی و صورت‌بندی جدول کلمات متقاطع در فارسی جدول‌هایی تهیه کرد که برای زبان‌آموزان فارسی مفید و کاربردی باشد.

## منابع

- پارساخو، جهانگیر (۱۳۷۶). «جدول و سرگرمی در مطبوعات ایران». *پژوهشنامه مطبوعات ایران*. ۱، ۳۵۶-۳۷۲.
- توفیق، عباس (۱۳۴۴). فرهنگ توفیق: نخستین دیکسیونر فکاهی در دنیا. تهران: کتاب توفیق.
- صفوی، کورش (۱۳۸۲). *معنی‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر همشهری.
- صفوی، کورش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- گیررتس، درک (۱۳۹۵). *نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر علمی.
- لایکان، ویلیام، ج. (۱۳۹۱). *درآمدی تازه بر فلسفه زبان*. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر علمی.
- لاینز، جان (۱۳۹۱). *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر علمی.
- لی، بری (۱۳۹۸). *بزرگترین فیلسوفان زبان*. ترجمه محمد زندی. تهران: نشر نویسه فارسی.
- Apresjan, J. (2000). *Systematic Lexicography*. Translated by K. Windle. Oxford: Oxford University Press.
- Atkins, B. T., & M. Rundell (2008). *The Oxford guide to Practical Lexicography*. Oxford: Oxford University Press.
- Arnot, M. (1996). *What's gnu?: A history of the crossword puzzle*. New York : Vintage Books.
- Carter, T. P. (1974). "Crossword Puzzles in the Foreign Language Classroom". *The Modern Language Journal* 58/3: 112-115.
- Costello, M. J. (1996). *The Greatest Puzzles of All Time*. New York: Dover.
- Curtis, S., & M. Manser (2001). *Wordsworth Crossword Companion*. Kent: Wordsworth Editions Ltd.
- Danesi, M. (2002). *The Puzzle Instinct: The Meaning of Puzzles in Human Life*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Geeraerts, D. (2003). Meaning and Definition. In Van Sterkenburg (ed.) *Practical Guide to Lexicography*. Amsterdam: John Benjamin Publishing Company.
- Girill, T. R. (1973). "The Logic of Scientific Puzzles". *Journal for General Philosophy and Science* 4/1: 25-40.

1. synonym discrimination task



- Hartmann, R. R. K., & G. James (2002). *Dictionary of Lexicography*. London: Routledge.
- Harris, R. (1998). *Language, Saussure, and Wittgenstein: How to play games with words*. London: Routledge.
- Holmes, B. T. (2005). *Pocket Crossword Dictionary*. London: A & C Publishers.
- Hovanec, H. (1978). *The Puzzle's Paradise: Form the Garden of Eden to the Computer Age*. New York: Paddington.
- Lew, R. (2013). Identifying, Ordering and Defining Senses. In Jackson, H. (ed.). *The Bloomsbury Companion to Lexicography*. London: Bloomsbury.
- McAdoo, J. A. (1988). "Words of Fun and Wisdom". *The Reading Teacher* 42/2: 174-175.
- Millington, R. (1975). *Crossword puzzles, their history and their cult*. Nashville: T. Nelson.
- Scholfield, P. J. (1999). "Vocabulary: Second Language Pedagogy". In Bernard Spolsky (Ed.). *Concise Encyclopedia of Educational Linguistics*. Oxford and New York: Elsevier. Pp. 678-682.
- Stibbs, A. (2007). *Crossword Solver*. London: A & C Black Publishers Ltd.
- Thomas, U. (1979). The Crossword Puzzle: An Aid to Learning". *Die Unterrichtspraxia/Teaching German* 12/1: 79-86.
- Walsh, T. (2004). *Timeless Toys: Classic Toys and the Playmakers who Created Them*. Keys Pub.
- Withington, R. E. (1948). "Crossword Puzzles for English Majors". *College English* 9/5: 280-281.

استناد به این مقاله: محمودی بختیاری، بهروز؛ مهربانی، معصومه. (۱۴۰۱). معنی‌شناسی جدول کلمات متقاطع: مروری بر الگوهای تعریف واژه‌ها در جدول‌های فارسی از دیدگاه معنی‌شناسی واژگانی ساختگرا. *زبان و زبان‌شناسی* ۱۸(۳۶)، ۱۶۵-۱۴۱. doi: 10.30465/isi.2023.41175.1596